



ژورنال علمی و مطالعات فرسنگی

چکیده

تورات ، کتاب فرورستاده بر قوم یهود ، این میراث موسوی ، در طی قرن های متوالی با رخدادهای فراوانی روبرو بوده است . این نام هم اینک بر پنج کتاب نخست از عهدعتیق که به اسفار خمسه شهرت دارد اطلاق می شود . این مقاله سعی دارد با رویکردی تاریخی و با بهره گیری از روایات و مستندات موجود ، تاریخچه ای از چگونگی شکل گیری این کتاب و نحوه ی نگارش اسفار آن ارائه دهد .

کلید واژگان: تورات ، اسفار خمسه ، بخت النصر ، حلقیا ، عزراء ، تلمود .

مقدمه

تورات واژه ای عبری است که از «توره» به معنای هدایت و ارشاد و یا قانون و شریعت گرفته شده است. (سوسه، ۱۴۸)

به عبارت دیگر از آنجا که داستان ها و حکایت های این کتاب در سامان دهی مقررات مربوط به زندگی دینی و اجتماعی یهودیان نقش اساسی ایفا کرده است، آن را تورات و یا قانون نامیده اند. (بوکای، ۲۴)

این نام به پنج کتاب نخست از کتاب مقدس و به عبارت دیگر پنج «سفر» اول از عهد عتیق که به اسفار خمسه نیز شهرت دارد اطلاق شده است. این کتاب به اعتقاد یهودیان و نیز همه مسلمانان در کوه طور و به زبان عبری، به صورت الواحی بر موسی (ع)^۱ نازل شده است. این پنج کتاب به ترتیب عبارتند از:

۱- سفر تکوین و یا پیدایش: سفر پیدایش از آغازها سخن می گوید. آغاز آسمان و زمین، نور و تاریکی، دریا و آسمان، خشکی و نباتات، خورشید و ماه و ستارگان، حیوانات خشکی، آبها و پرندگان و نیز نژاد بشری، گناه و رهایی و برکت و لعنت و... (محمدیان، ۱۳۲). یکی از واژه های کلیدی در این کتاب، واژه ی پیدایش می باشد. این واژه کتاب را به ده قسمت بزرگ تقسیم می کند که هر کدام از این قسمت ها شامل موضوعاتی چون تولد، نسب نامه و تاریخ می باشد. در سفر پیدایش، از سلسله نسب برخی از پیامبران بزرگ چون نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب و یوسف (ع) سخن به میان آمده است.

۱- به زبان عبری موسی را «موشه» Mosheh می گویند بمعنای از آب گرفته شده (فرهنگ لغات قرآن/ ۵۳۲). در سفر خروج باب دوم و با عنوان «تولد موسی» به چگونگی ولادت و در آب افتادن وی اشاره شده که دختر فرعون با مشاهده سیدی معلق در آب به کنیزکانش فرمان می دهد آنرا از آب بازگیرند. هنگامی که دختر فرعون با چشمان گریان طفل مواجه می شود به وی ترحم کرده و او را نزد خود نگاه داشته و دایه ای را که به واقع مادر موسی می باشد به سرپرستی و حضانت از وی می گمارد و او را «موسی» یعنی از آب گرفته می نامد.

- ۲- سفر خروج : در این سفر از سرگذشت بنی اسرائیل در مصر پس از وفات یوسف (ع) و چگونگی تولد و داستان زندگی حضرت موسی (ع) و رشد وی در دربار فرعون سخن به میان آمده ، همچنین رهانیدن بنی اسرائیل از چنگال فرعون توسط آن جناب و سرگردانی ایشان در صحرای سینا و نزول تورات بر موسی و آغاز تشریح احکام دینی از دیگر مباحث این سفر می باشد . مقصود از خروج ، خارج شدن یا مهاجرت بنی اسرائیل از مصر است.
- ۳- سفر لاویان : در این سفر از تشریح احکام دینی و آداب و مناسک مذهب یهود سخن به میان آمده است همچنین چگونگی اجرای این مناسک و آداب و تشریفات لاویان که از سبط لاوی^۱ بوده اند بیان شده است .
- ۴- سفر اعداد : سفر اعداد از مسافرت چهل ساله ی بنی اسرائیل و سرگردانی ایشان در صحرای سینا و بیابان تیه و فتح سرزمین های کنعان بحث می کند. همچنین گزارش سرگذشت قوم بنی اسرائیل پس از خروج از مصر تا وفات هارون در آن گنجانده شده است و در آن آمار و تعداد قبایل بنی اسرائیل و خصوصیات و ویژگی های تک تک آنها ذکر شده است.
- ۵- سفر تثئیه : این سفر به طور اختصار حاوی تکرار شرایع و احکامی است که در اسفار چهارگانه ی قبلی گنجانده شده بود.

تاریخچه ی تورات و چگونگی نگارش و تدوین اسفار آن :

به اعتقاد مسلمانان و بنابر تصریح آیات وحی، کتاب تورات در طور سینا و به صورت الواحی بر حضرت موسی (ع) نازل شده است : [« وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَوْحَاءِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَ تَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ » (الاعراف، ۱۴۵)] و برای او در آن الواح از هر گونه پندی و شرح هر چیزی نوشتیم . پس (او را گفتیم) آن را با همه

۱- لاوی پسر سوم یعقوب (ع) است و منظور از لاویان مشایخ بنی اسرائیل از نسل لاوی می باشند (قاموس

نیرو فراگیر]. این الواح چوبی دربردارنده ی معارف و احکام تورات بوده است که پس از چهل روز (الاعراف، ۱۴۲) که موسی در طور سینا اقامت گزیده ، توسط خداوند بر وی عرضه شده است.

قرآن تورات را با خصوصیتی چون نور (المائده، ۴۶) ، هدایت (الاعراف، ۱۵۴) ، موعظه (اعراف، ۱۴۵) و رحمت (همان) و ... توصیف نموده و آن را حاوی احکام الهی (المائده، ۴) معرفی کرده است .

حضرت عیسی (ع) (الصف، ۶) و رسول بزرگوار اسلام (ص) (البقره، ۱۰۱) نیز مصدق و مؤید این کتاب آسمانی بوده اند.

سؤال مهم و اساسی که باید به آن پاسخی در خور داده شود این است که آیا تورات کنونی ، با نسخه های متعدد آن ، همان توراتی است که بر حضرت موسی (ع) نازل شده است ؟ و یا آنکه اصل این کتاب در فراز و نشیب های روزگار از میان رفته و آنچه موجود است ، چهره ای بسیار کدر و ناهمگون از نسخه ی اصلی ارائه می دهد و اگر چنین است علل تحریف این کتاب آسمانی چه بوده است ؟

آنچه که محققان یهودی بر آن اذعان دارند این است که نسخه ی اصلی تورات در اثر فتنه ها و جنگ های خانمان سوز که یهود در دوران مختلف با آن دست به گریبان بوده است، از بین رفته و نگارش هر یک از اسفار باقیمانده ی تورات که هم اینک در اختیار است قرن ها پس از موسی انجام پذیرفته ، علاوه بر آنکه میان نگارش هر یک از اسفار با دیگری نیز سال ها فاصله افتاده است .

برخی براین باورند که نگارش اسفار تورات چیزی حدود ۷ قرن پس از رحلت موسی انجام پذیرفته است. (سوسه، ۱۵۹) لورس که از پژوهشگران و محققان یهودی است در کتاب خود، اسرائیل، چنین اظهار نظر می کند : « ما نمی توانیم بازگشت هیچ یک از اسفار پنج گانه و حتی وصایای دهگانه را به دوران موسی

تأیید کنیم. زیرا روایاتی که در این اسفار نقل شده، در طول قرون مختلف در معرض تغییر و اضافات و تکرارهای گوناگون قرار گرفته است. «(همان)

پرواضح است که هیچ دانشمند منصف و محققى را نمى توان یافت که معتقد باشد موسی به دست خود تمام تورات را از ابتدای ماجرای آفرینش تا انتهای آن، نگاشته و یا بر نگارش تورات توسط دیگران اشراف داشته است. بلکه باید گفت که پس از موسی (ع) و در طول اعصار و دوران مختلف و به مناسبت های گوناگون اجتماعی و دینی، اضافاتی در تورات صورت پذیرفته است (محمدقاسمی، ۱۶) علاوه بر این، شواهدی وجود دارد که بیانگر این حقیقت است که تورات پس از حضرت موسی (ع) نگارش یافته است. برای نمونه می توان به شرح و بسط چگونگی وفات و دفن موسی و سوگواری بنی اسرائیل بر آن حضرت اشاره کرد. پیداست که موسی خود داستان رحلت و گریستن بر پیکر بی جانش را کتابت نموده است.

در سفر تثبیه، فصل سی و چهارم، بند پنج الی هشت چنین می خوانیم: «موسی، خدمتگزار خداوند، چنانکه خداوند گفته بود در سرزمین موآب درگذشت. خداوند او را در دره ای نزدیک بیت فغور در سرزمین موآب دفن نمود. ولی تا به امروز هیچ کس مکان دفن او را نمی داند. موسی هنگام مرگ ۱۲۰ سال داشت. با وجود این هنوز نیرومند بود و چشمانش به خوبی می دید. قوم اسرائیل سی روز در دشت های موآب برای او عزاداری کردند!». برخی از دانشمندان بر این باورند که اساطیر و افسانه ها، نقش به سزایی در جریان تحوّل و شکل گیری و توسعه ی دین یهودیان بر عهده داشته است.

ساموئل هنری هوک، مؤلف کتاب «اساطیر خاورمیانه» در این باره چنین اظهارنظر می کند: «اسطوره ها از دین های کشورهای همجوار به عاریت گرفته شده اند و نویسندگان عبرانی از این اسطوره ها برای بیان معتقدات خویش در مورد بنیاد عالم به صورت نمادین سود جسته اند». (هنری هوک، ۲۳۵)

به عبارت دیگر غرض مؤلفان و نویسندگان اسفار تورات، جمع آوری و پاس داشت آداب و رسوم و سنن قوم دل شکسته و پراکنده ی یهود بوده است تا از این طریق اندکی از آلام و دردهای ایشان را التیام بخشند و یادگاری برای آیندگان بر جای بگذارند. (آشتیانی، ۳۶۸)

البته این احتمال نیز وجود دارد که بعضی از این داستان ها را یهودیان در زمان اسارت خود در بابل، از مردم آن سرزمین یادگرفته باشند و احتمال قوی تر آن است که پیش از آن، از منابع سومری و سامی قدیم که بین تمام مردم مشرق زمین مشترک بوده است، سود جسته باشند. (شاله، ۳۶۸)

بنابراین به نظر می رسد که تورات نویسان، با اغراض خاص، داستان هایی را ساخته و پرداخته باشند و برخی از اسفار تورات در حقیقت چیزی جز اساطیر و سروده های اقوام دیگر نیست که این نویسندگان آنها را انتخاب کرده و به برخی از انبیاء و یا پیامبر نماهای یهود نسبت داده اند.

بررسی روایات متناقض مرتبط با نگارش تورات

و اما آنچه که هم اینک، به عنوان تکمیل مباحث پیشین به آن خواهیم پرداخت، ارائه ی موارد متناقضی در تورات کنونی است که در خصوص نحوه ی نگارش این کتاب می توان به آن اشاره نمود.

در سفر تثئیه، راجع به تورات و چگونگی نگارش آن چنین آمده: « آنگاه که مرگ موسی فرا رسید لاویان و دیگر مشایخ بنی اسرائیل را گردآورد و تورات را که به عقیده ی یهود نوشته خود موسی بود به ایشان عرضه کرد و گفت: این کتاب را در کنار تابوت عهدیه^۱ خدای خود بگذارید و در پایان هر هفت سال،

۱- صندوقچه ی تورات و یا تابوت عهد از چوب ااقایا یا اکائیا (Acacia) ساخته شده بود و کناره هایش با حاشیه ی زرین مزین گشته و دوران ده حکم موسائی حجاری شده بود و نیز آثاری از موسی و هارون در آن قرار داشت و دو تندیس از فرشته که از طلا ساخته شده بود در هر دو جانب صندوق نصب کرده بودند. مانند چنین صندوقی می توان از پرچم کاوه نام برد که در عصر ساسانیان و در ایران محترم برشمرده می شد (فرهنگ لغات

تمام بنی اسرائیل حتی زنان و کودکان و غربیان شهر را فراخوانید تا گردآیند آنگاه تورات را برایشان بخوانید تا بشنوند و تعلیم یابند و از خدا بترسند و در عمل به آن هوشیار باشند». (سفر تثنیه، ۳۱/۳۹۱)

و اما آنچه که از بخش های دیگر تورات که خود نقض کننده ی عبارات بالاست استنباط می شود آن است که موسی آن هنگام که قبایل بنی اسرائیل را از مصر خارج و از دست فرعون نجات داد، ایشان را به صحرای سینا برد و گرد کوه طور جمع نمود. اما بنی اسرائیل که در صحرای سینا دوباره به شیوه ی بیابان گردی باز گشته بودند، بنای ناسازگاری گذاشتند و خوبی های شهرهای مصریان و نعمت های آن را به خاطر می آوردند و از وضع زندگی در طور سینا ناراضی بودند. از این رو در مواردی که دچار ناراحتی و سختی می شدند به موسی اعتراض می کردند که چرا آنها را از مصر خارج کرده است؟ (مزامیر، ۱۰۶/۱۰-۱۶) ایشان خطاب به موسی چنین می گفتند:

قرآن (۱۱۹/). با توجه به برخی از روایات و مستندات تاریخی معلوم می شود که آن تابوت، همان صندوقی است که خداوند برای مادر موسی فرستاد تا فرزند خویش را در آن بگذارد. سپس آن صندوق را به دریا افکند و این تابوت نزد بنی اسرائیل بسیار گرامی و باارزش بود و به آن تبرک می جستند (التنبیان، ۲۹۳/۲)

دست زدن به این تابوت گناه محسوب می شود. بنابراین برای حرکت دادن آن، جویب از حلقه هایش عبور داده بودند و حاملان، دو طرف چوب را گرفته و آن را می بردند (تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ۶۴۳/۲).

تا وقتی که این صندوق در دست بنی اسرائیل بود از عزت و عظمت برخوردار بودند ولی به علت بی اعتنا شدن آنان نسبت به تابوت و نیز تضعیف مبانی اعتقادی در نزد ایشان، دشمنان بر آنها تسلط یافته و آن صندوق را از ایشان ربودند (تفسیر روح المعانی، ۲۵۳/۲).

در واقع بنی اسرائیل با عصیان و نافرمانی خود باعث شدند که تابوت از آنان بازپس گرفته شود و در میان بنی اسرائیل هرج و مرج و تفرقه پدید آید تا اینکه خداوند حضرت طالوت را به میان ایشان فرستاد و این تابوت بار دیگر به بنی اسرائیل بازگردانده شد (تفسیر روض الجنان، ۲۹۸/۲).

عده ای بر این باورند که موسی (ع) در واپسین روزهای عمر خود، الواح مقدس تورات را که احکام خدا بر آن نوشته شده بود به ضمیمه برخی از یادگاریها همچون عصا و لباسهایش را در آن نهاد و به وصی خویش «بوشع بن نون» سپرد (بحار الانوار، ۴۳۸/۱۳). این امر سبب گشت که اهمیت این صندوق نزد بنی اسرائیل فزونی یابد و اثر روانی و معنوی خاصی به ایشان بخشد که قرآن کریم با عبارت «فیه سکینة من ربکم» (۲۴۸/بقره) از آن یاد کرده است.

« ای کاش در سرزمین مصر به دست خداوند مرده بودیم و به اینجا نمی آمدیم زیرا در آنجا گرد دیگ های گوشت می نشستیم و نان را سیر می خوردیم اما در این بیابان سوزان که تو ما را به آن کشانده ای به زودی از گرسنگی خواهیم مرد ». (سفر خروج، ۳/۱۶)

موسی از این شکایت های قوم رنجیده شد و به کوه سینا رفت و ۴۰ روز در آنجا ماند و سپس به همراه الواح تورات بازگشت (همان، ۱۵/۳۲-۲۰) و نبوت رسمی اش آغاز شد.

بنابراین نخست، تورات در اواخر عمر موسی و توسط خود وی نوشته شده و بنابر قول دوم- که قرآن نیز مؤید آن است - تورات در طور سینا به وی نازل شده است.

موسی هنگامی که تورات را - بنابر نظر اول - در اواخر عمر خویش به لایوان و مشایخ بنی اسرائیل سپرد، به ایشان گوشزد کرد که آن را کنار تابوت عهد یهوه که نزدشان از اهمیت بسزایی برخوردار بود بگذارند زیرا که به آنها خوشبین نبود و بیم آن داشت که تورات را ضایع و از بین ببرند. وی به مشایخ بنی اسرائیل چنین گفت:

« از تمرد و گردن کشی شما آگاهم. من هنوز زنده ام که فتنه و فساد می کنید. آنگاه که بمیرم فاسدتر خواهید شد و از راهی که نشان و دستور دادم برخوردار خواهید گشت ». (سفر تثنیه، ۲۷/۳۱)

آنچه موسی به آن اشاره کرده بود به وقوع پیوست. بنی اسرائیل که دوازده قبیله بودند سرکش و متمرد گشته و به انواع ستم ها و اقسام گناهان دست آوردند. فرزندان خود را به احترام بت ها به قربانگاه می بردند و برای بت های کنعان آنها را ذبح می نمودند. (مزامیر، ۳۷/۱۰۶-۳۸)

وضع یهود روز به روز رو به وخامت می رفت و شرک و بت پرستی بازار گرم خود را در میان ایشان یافته بود و بر تعداد پیامبران دروغین و مدعیان رسالت افزوده

می شد. گفتنی است که فقط چهارصد و پنجاه نفر ادعای پیامبری از بت بعل را داشتند و مردم را به بت پرستی دعوت می کردند. (سیر تاریخی، ۸)

پاره ای از ایشان مردم هوسبازی بودند که بر اثر موسیقی های عجیب و مشروبات تند و یا رقص های شبیه رقص های صوفیانه، تحریک گشته و به حالت بی خودی می افتادند و در آن حال سخنانی می گفتند که مردم می پنداشتند به آنان وحی شده است. (ویل دورانت، ۴۵۲/۱۰) در این دوران یهودیان وضع مناسبی نداشتند. در تمام سرزمین یهود و حتی در اورشلیم هیچ معبدی وجود نداشت و یهودیان مجبور بودند که در قربانگاه های خصوصی و یا بر معبدهای کوچک بالای تپه ها، قربانی های خود را تقدیم نمایند. (کتاب اول پادشاهان، ۲۰/۱۸)

پیش از این اشاره شد که موسی (ع) - بنابر یکی از دو قول - نسخه ی تورات را در اختیار مشایخ بنی اسرائیل قرر داده بود. همچنین بیان کرده بود که هر هفت سال یکبار همه ی مردم برای شنیدن آن گرد آیند. اما از تمرد و گردن کشی مشایخ بنی اسرائیل نیز خبر داده بود! آنچه جای شگفتی است آن است که پیامبری چون موسی چرا باید دست به چنین عمل ناپخته ای بزند؟ زیرا که وی تورات را فقط در اختیار لاویان و مشایخ بنی اسرائیل قرار داده است و نه همه مردم! دیگر آنکه تعالیم تورات و شنیدن آیات وحی تا هفت سال باید به صورت تعطیل درآید و پس از آن تورات فقط یکبار برای مردم خوانده شود و سپس تشنگان تعالیم وحی هفت سال دیگر تحمل کنند تا گذر زمان فرصت استماع دوباره ی آیات را برایشان فراهم آورد!

سؤال دیگری که مطرح است این است که با گزارشی که پیش از این جناب موسی از مشایخ بنی اسرائیل داده بود آیا امکان دخل و تصرف در این کتاب آسمانی برای ایشان وجود نداشته؟ آیا به میل خود و با اغراض گوناگون نمی



توانسته اند چیزی بر آن افزوده و یا از آن بکاهند؟ و اگر چنین می کردند کدام قدرت اجرایی می توانسته سدّ راه ایشان بشود؟

در بسیاری از بخش های تورات به جا مانده ی کنونی، می خوانیم که مردم باید قربانی های خود را برای خدای خود، یهوه و در معبد اورشلیم قربانی کنند اما جز کاهنان و مشایخ بنی اسرائیل کس دیگری حق استفاده از آن قربانی ها و یا دیگر هدایا چون طلا و نقره و پول و لباس های زینتی را ندارد. (سفر خروج، ۲/۲۸) و (سفر لاویان، ۶/۲) و (سفر لاویان، ۶/۱۸ و ۲۶) و (سفر لاویان، ۶/۷) آیا به راستی شریعت موسی ایشان را تافته ی جدا بافته ی الهی معرفی کرده است؟ و یا آنکه آنان به خواست خویش و به نفع خود چنین احکام دروغینی را بر تورات تحمیل نموده اند؟

با تورق در صفحات به جامانده از تاریخ درمی یابیم که بنی اسرائیل - این ملت پیچیده و در خور تأمل - فراز و نشیب های مختلف، همراه با جنگ های خانمان سوزی را پشت سر گذاشته است که ماحصل آن غارت اموال، نابودی معابد، کشته شدن انسانهای بی شمار و نیز مفقود گشتن تابوت عهد بوده است. همان صندوقچه ی مبارکی که نسخه ی اصلی تورات در آن نگهداری می شده است. در کتاب اول سموئیل، به جنگی اشاره شده است که میان فلسطینی ها و بنی اسرائیل در گرفت و در آن جنگ، تابوت عهد یهوه به غارت رفت و به دنبال آن تورات - این میراث بجامانده از شریعت موسی به دست بیگانگان افتاده که این عمل به نوبه خود گسیخته گشتن آیین ملی و از هم پاشیده شدن قانون و شریعت را به همراه داشته است: «و فلسطینیان جنگ کردند و اسرائیلیان شکست خورده، فرار کردند و صندوق خدا گرفته شد.» (کتاب اول سموئیل، ۴/۱۰-۱۱)

پس از مفقود گشتن تابوت عهد که بالطبع از میان رفتن نسخه ی اصلی تورات را به همراه داشت، در قرنهای بعدی، شاهد تلاش کاهنان و مشایخ بنی اسرائیل برای



حفظ و پاس‌داشت مبانی دینی قوم یهود می‌باشیم. در این راستا، افرادی چون « حلقیای کاهن » و « عزراء » درصدد باز یافت دوباره تورات و یا نگارش آن برآمده اند. آنچه که در ذیل ارائه می‌شود گزارشی است از دو نسخه‌ی مرتبط با تورات و تعالیم موسوی. در این راستا، ابتدا به بررسی نسخه حلقیای کاهن خواهیم پرداخت و سپس پیش از گزارش از نسخه عزرائی تصویری از فضای حاکم بر اورشلیم، که آماج حملات خانمان سوز پادشاهان قرار داشته ائنه خواهیم کرد. البته این فضا سازی پیش زمینه ای خواهد بود برای ورود به بحث چگونگی شکل گیری و نگارش نسخه‌ی عزراء.

بررسی نسخ تورات:

۱- نسخه‌ی حلقیای کاهن: تمام وقایع سخت و ناگوار پیشین، کاهنان و مشایخ بنی اسرائیل را برآن داشت که برای حفظ مبانی دینی و فرهنگی ملت خود، چاره اندیشی نمایند تقریباً حدود ۶۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، به دستور یوشیا پادشاه بنی اسرائیل، معبد اورشلیم از بت‌ها پاک و از نو بازسازی شد، در سال هجدهم از سلطنت وی بود که یکی از کاهنان بنی اسرائیل به نام حلقیا^۱ ادعا نمود که تورات موسی را در معبد یافته است. (کتاب دوم پادشاهان، ۲۲/ ۸) پس از ارائه نمودن تورات به پادشاه اورشلیم که توسط شافان کاتب انجام پذیرفت وی جامه از تن درید و از اینکه پیشینیان و گذشتگان این ملت بر طبق فرامین تورات عمل نکرده اند سخت اندوهگین و غمناک گشت. به دستور وی همه‌ی مردم اورشلیم حاضر و تورات بر ایشان خوانده شد. (انیس الاعلام، ۱۷۳/۳)

۱- حلقیا، رئیس کاهنان معاصر یوشیا بود. وی هنگامی که نقره‌های داخل شده در معبد را حساب نمود کتاب شریعت را پیدا کرد (کتاب دوم پادشاهان، فصل ۲۲، بند ۸).

اما نگاه ریزبین و نکته سنج تاریخ این حقیقت را بر ما آشکار می سازد که حلقیای کاهن، چون توجه یوشیا^۱ و ارکان حکومت را نسبت به ترویج شریعت موسوی احساس نمود، از همان سال اول و یا سالهای پس از حکومت یوشیا همت گمارد تا روایات منقول از شریعت موسی را که سینه به سینه میان مردم انتشار یافته بود در یک جا جمع نماید. اهتمام جمع آوری این روایات شفاهی مصادف با سال هجدهم از سلطنت یوشیا بود که در این سال وی مدعی شد که تورات را در معبد یافته است. (همان)

البته جو حاکم و فضای موجود در آن دوران، این مطلب را به اثبات می رساند که کاهنان و مشایخ بنی اسرائیل بر این باور بودند که کذب و افتراء در جهت ترویج دین و انتشار شریعت موسوی که سبب گرایش مردم به دین و رونق بازار دین باوری خواهد شد از مستحبات دینی محسوب می شود.

اورشلیم آماج یورش پادشاهان:

پیش از آنکه به بررسی نسخه‌ی عزراء بپردازیم لازم است تصویری واضح و آشکار از فضای حاکم بر آن دوران ارائه دهیم. هنگامی که یوشیا به دست فرعون نکوه، پادشاه ششم از سلسله سامیه کشته شد (هاکس، ۹۷۲)، پادشاهان و فرمانروایان مختلفی بر این سرزمین حکم رانده و آن را آماج وحشیانه ترین حملات قرار دادند. اوج این حملات را می توان در دوران بنوكد نصر^۲ (بخت النصر) پادشاه بابل مشاهده کرد که چندین بار بر اورشلیم یورش برد و معبد را به تصرف

۱- یوشیا، پسر آمون پادشاه یهودا و جانشین وی که بر تخت نشست و مدت ۳۱ سال حکمراند (۶۳۹-۶۰۹ قبل از مسیح). در تقوا و پرهیزکاری و استقامت مشهور و معروف بود. بت پرستی را ناپود و مجسمه ها را از بین برد (قاموس کتاب مقدس، ۹۷۲).

۲- پادشاه مقتدر بابل که ۶ قرن پیش از میلاد مسیح بارها به اورشلیم حمله برد و آن را آماج حملات خویش ساخت. وی در سال ۵۶۱ قبل از میلاد از دنیا رفت و مدت حکومت وی ۴۴ سال بوده است (قاموس کتاب مقدس، ۸۷۳).

خویش درآورد. وی در اولین حمله‌ی خود با ده هزار اسیر یهودی به سرزمین خویش بازگشت. (جان ناس، ۲۱)^۱

به هنگام مراجعت، صدقیاً^۲ پسر یوشیا را به پادشاهی اورشلیم برگزید اما پس از آنکه از خیانت وی مطلع گشت بار دیگر به فلسطین لشکر تاخت و معبد سلیمان را آتش زد و آن را به ویرانه‌ای مبدل ساخت. (سیر تاریخی، ۱۲)

بخت النصر باردیگر در زمان یهوایکین^۳ به اورشلیم حمله برد و خزانه‌های قیمتی معبد را تصاحب نمود و بسیاری از یهودیان را به بند اسارت خویش گرفتار ساخت و ایشان را با خود به بابل برد. بدین ترتیب ملت یهود در میان بابلی‌ها زندگی کرده و با آداب و رسوم ایشان آشنا گشتند. (ویل دورانت، ۴۷۷) رأی غالب مورخان و صاحب نظران آن است که نسخه‌ی اصلی تورات به فرض وجود، توسط لشکریان بخت النصر از میان رفته است. (ویل دورانت، ۴۸۵)

در سال ۵۳۸ قبل از میلاد، بابل توسط کوروش کبیر فتح گشت وی آن سرزمین را تختگاه شاهنشاهی خویش - که از سند تا شهرهای سواحل یونان امتداد داشت - قرار داد. پادشاه ایران مشاهده کرد که در مرکز بابل قومی گرد هم آمده‌اند که آداب و عادات خاص خود را دارند. پس از پرسش از احوال آنان و رنج‌ها و شدائدی که متحمل گشته بودند، ایشان را آزاد ساخت و به سرزمین خویش باز گرداند. بدین ترتیب رجعت به وطن که غایت آرزوی اسیرگشتگان و دورماندگان از میهن بود تحقق یافت. (هندی، ۲۹۹)

۱- تاریخ جامع ادیان / جان ناس، ۲۴.

۲- صدقیاً آخرین سلسله‌ی یهود، پسر یوشیا و نام واقعی وی متانیا بود که بخت النصر اسمش را به صدقیاً تغییر داد. در ۲۱ سالگی به فرمان بنوکد نصر بر تخت سلطنت نشست و مابین سالهای ۵۹۸-۵۸۸ حکم راند. از وی به عنوان مردی جهالت پیشه، سخیف اندیشه و بی اقتدار یاد شده است (قاموس کتاب مقدس، ۵۵۲).

۳- وی پسر یهوایکیم و جانشین وی بود که در سن ۱۸ سالگی بر تخت سلطنت نشست و مدت سه ماه و اندی سلطنت کرد. در حمله بخت النصر به اسارت گرفته شد و به بابل منتقل گشت (قاموس، ۹۸۷).



برخی بر این باورند که برای یهودیان امکان پذیر نبود که پس از بازگشت به اورشلیم یک دولت نظامی تشکیل دهند زیرا که از نظر نفرات و نیز ثروت در شرایط بسیار نابسامانی به سر می بردند از طرف دیگر یهودیان معتقد بودند که در عین گردن نهادن به سیادت ایرانیان، می بایست وحدت ملی و مذهبی خود را نیز حفظ نمایند از این رو مشایخ و بزرگان بنی اسرائیل بر آن شدند تا همچون حلقیای قوانینی ارائه دهند که در بردارنده‌ی احادیث و روایات موسوی باشد. این کار در سال ۴۴۴ پیش از میلاد و توسط عزراء به وقوع پیوست. (جان ناس، ۲۹)

۲- نسخه‌ی عزراء:

برخی وی را عزیر پیامبر دانسته و عده‌ای دیگر معتقدند که وی نبی نمی باشد، بلکه یکی از کاهنان و بزرگان بنی اسرائیل بوده است (هندی، ۱/۱۲۳) که با همکاری لایویان و بزرگان قوم، تورات را جمع و در طی چند روز آن را برای مردم قرائت کرده است و پس از آنکه خواندن اوراق تورات به پایان رسیده، همگی سوگند یاد نموده اند که به احکام و فرامین آن پایبند باشند. (مجلسی، ۴۴۸)

عده‌ای از مورخین معتقدند که عزراء، تورات را نه از نسخه‌های به جامانده از تورات بلکه به الهام دریافت و جمع آوری نمود. (ویل دورانت، ۴۸۵) پرواضح است که پذیرش این سخن به بی اعتبار گشتن توراتی که توسط وی جمع آوری شد خواهد انجامید. به هر حال نسخه‌ای که توسط عزراء آشکار گشت در اثر حملات انیتوکس در سال ۱۶۱ قبل از میلاد از میان رفت. پس از آنکه این حاکم مقتدر بر اورشلیم غلبه یافت، تمام نسخه‌های کتب عهد عتیق را در آتش سوزاند. (هندی، ۱/۲۲۸) وی تهدید نمود که نزد هر کس نسخه‌ای از تورات پیدا شود و یا بر اساس فرامین موسی عمل کند کشته خواهد شد. مأمورین وی برای اجرای این فرمان ماهی یک بار به تفتیش می پرداختند. (انیس الاعلام، ۱۷۶/۳)

شادکامی و سعادت یهودیان در سرزمین خود - که از نو به وسیله‌ی کورش کبیر در آن ساکن شده بودند - چندان نپایید. به محض آنکه نیروی ایرانیان کاهش یافت، دشمنان یهود قدرت یافتند و یهودیان را مورد اذیت و آزار قرار دادند. یهود که ملتی کوچک و بی دفاع بود نمی توانست در برابر نیروهای بزرگی که در باختر سر بر می داشتند ایستادگی کند. نخست به چنگال یونانی ها گرفتار شده و سپس رومیان آمدند و بر آنان حکومت کردند و پس از سال ها سرانجام بار دیگر اورشلیم با خاک یکسان شد و ایشان در سرزمین های مختلف سرگردان شدند. (توفیقی، ۱۹۳)

یهودیان چنان ناتوان شده بودند که می بایست در برابر خواسته‌ی پادشاهان سر فرود می آوردند. هر چند آن خواسته های آنان با عقاید مذهبی شان سازش نداشت.

ویل دورانت می نویسد: « یکی از حکمرانان به نام کالیگولا به یهودیان فرمان داد که در کنار شعایر و مراسم خود - که به آن پایبندند - یک قربانی هم برای تصویر او قائل شوند. بدین منظور مجسمه‌ی وی در معبد اورشلیم نصب گردید ». (ویل دورانت، ۱۶۰/۹)

این کرنش و فروتنی در مقابل خواست بزرگان تا آنجا ادامه یافت که تلمای ملک، که پس از بخت النصر به پادشاهی رسید از یهودیان خواست تا تورات را به وی عرضه کنند اما دانشمندان یهود از آنجا که می دانستند برخی از دستورات تورات مغایر با خواسته های اوست شورایی تشکیل داده که در آن شورا ۷۰ نفر تعیین گشتند تا مواردی که مورد پسند پادشاه نیست را حذف کنند و یا تغییر دهند.

تدوین تلمود :

در سال ۶۹ میلادی تیتوس، لشکری از رومیان ترتیب داد و به اورشلیم یورش برد در این حمله بسیاری از یهودیان کشته شدند و اورشلیم به تصرف رومیان



درآمد و معبد اورشلیم بار دیگر به آتش کشیده شد. در هر صورت یهودیت به صورت مذهب و آیینی درآمد که دیگر حتی یک مرکز پرستش، دستگاه روحانی متمرکز و مسلط و آیین قربانی نداشت. (سیر تاریخی، ۱۹)

صدوقیان از بین رفتند و فریسیان بی خانمان و ذلیل گشتند .

با این همه رومیان نتوانستند قومیت یهود را به کلی نابود سازند. این ملت کهن برای دفاع از کیان و حیثیت خود راه دیگری را در پیش گرفت و وحدت مذهبی و فرهنگی را مایه‌ی بقاء و حیات خود دانست. از این رو پس از حمله تیتوس رومی به اورشلیم، یکی از ربانیون به نام یوحنا بن زکی از میان لشکر روم گریخت به این نحو که نخست خبر بیماری و سپس مرگ خود را شایع کرد و پیروانش وی را در تابوتی نهاده و برای خاک سپاری از شهر خارج کردند. از آنجا که وی شخصیتی ممتاز بود سربازان تیتوس به جسد وی کاری نداشتند. (توفیق، ۱۰۴)

بدین ترتیب وی از شهر خارج و خود را به شهر ساحلی « یبنة » رساند و در آنجا یک نوع دارالتعلیم دائر نمود که به زبان عبری به آن مدراش می گویند. وی در صدد برآمد که از نابودی آیین یهود، اعتقادات و اصول فکری ایشان جلوگیری نماید. یوحنا به کمک عده ای که به او پیوسته بودند به جمع آوری و تدوین اخبار و روایات اسرائیلی مشغول شد. مدت ۶۰ سال این مدراش در شهر یبنة برقرار بود اما چون وقایع جنگ خونین عصر هادریان، قیصر روم، به وقوع پیوست این مدرسه و دارالتعلیم تعطیل گشت و جمعی از یهودیان مقیم در شهر یبنة کشته و نابود شدند عده ای هم که جان سالم به در برده بودند اوراق و نوشته های خود را برداشته و به شهر جلیل رفته و در آنجا سکنی گزیدند. در قرن دوم میلادی عده ای از یهودیانی که در شهر جلیل اقامت داشتند به نوبه‌ی خود کتابی را به رشته تحریر درآوردند که به نام میشنای کبیر معروف گشت. این کتاب شامل فتاوی و احکام علماء یهود بود و در تفسیر متن تورات نوشته شد. تدوین کتاب میشنا در سال ۲۲۰ پس از میلاد پایان پذیرفت و از آنجا که این

کتاب نیازمند توضیح و اضافاتی چند بود سال ها بعد، عده ای دیگر از یهودیان که به حفظ فرهنگ و ادب قومی خویش علاقمند بودند مطالعات خود را ادامه داده و تحریر و کتابت اخبار و روایات غیرمکتوب را در پیش گرفتند و کتابی دیگر که مکمل « میشنا » بود تدوین کرده و آن را « گمارا » نامیدند.

در قرن پنجم، علمای یهود دو کتاب میشنا و گمارا را در هم آمیختند که از ترکیب آن دو تلمود متولد گشت. به اعتقاد یهودیان این کتاب در بردارنده‌ی تفصیلات دینی و آئین و معتقدات و آداب و رسوم ایشان می باشد و اصول و فروع دین به نحو شایسته ای در آن بیان گشته است، هر چند ملل دیگر عالم، این کتاب را مجموعه ای سبک و بی ارزش می دانند، اما قوم یهود پایبندی خود را به این کتاب همچنان حفظ کرده است. (جان ناس، ۲۱/۲)

پس از نگارش تلمود دو شرح و تفسیر نیز بر آن نوشته شد، یکی تلمود اورشلیمی و یا فلسطینی و دیگری تلمود بابلی، تلمود فلسطینی نسبت با تلمود بابلی از تفاوت کیفی و کمی بسیاری دارد، تلمود فلسطینی از لحاظ کمیّت یک سوم تلمود بابل بوده، علاوه بر این تلمود بابل از دو جهت عمق منطقی و جامعیت، بر تلمود فلسطینی برتری دارد. این بدان جهت است که تلمود بابل طی یک سده‌ی توأم با صلح و آرامش تدوین شد ولی تلمود فلسطینی در شرایطی که بر اثر ظلم و جور رومی ها نامساعد بود با عجله جمع آوری شد. (هندی، ۹۱/۲)

لازم به ذکر است که یهودیان در التزام و پایبندی به این کتاب تا آنجا پیش رفته اند که معتقدند تلمود هم رتبه با تورات و حتی برتر از آن است.

آدام کلارک در این باره چنین می نویسد :

« قانون یهود به دو نوع تقسیم می شود: قانون مکتوب که تورات نامیده می شود و قانون غیرمکتوب که به آن روایات شفاهی می گویند و از طریق مشایخ و بزرگان یهود به دست آنها رسیده است. یهودیان مدعی هستند که این دو نوع قانون (مکتوب و شفاهی) هر دو الزام آور بوده و هم‌رتبه یکدیگر می باشند بلکه آنها در

مواردی روایات شفاهی را بر تورات برتری می بخشند و معتقدند که قانون مکتوب در بیشتر قسمت ها ناقص و مبهم است و به همین جهت هرگاه معانی قانون مکتوب با روایات شفاهی در تعارض باشد، تورات را طرد کرده و با این حيله روایات شفاهی را مبنای اعتقادی و دینی خود قرار می دهند». (ظفرالاسلام خان، ۴۱)

جالب است بدانیم که گروهی از یهودیان گرچه تلمود را برگرفته از سخنان خاخام های (روحانیون) یهودی می دانند اما شأن و منزلتی والا برای آن قائلند بدان حد که معتقدند خدا در هر مشکلی که قابل حل در آسمان نباشد با خاخام ها مشورت می کند! و هر آن کس که با شریعت موسی مخالفت کند، گناهش بخشوده می شود. اما آنکه با تلمود مخالفت کند عقوبتش مرگ است. (محمدقاسمی، ۲۰)

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آبادانی، مبلغی، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، انتشارات حرّ، تهران، بی تا.
- ۳- آشتیانی، جلال الدین، تحقیقی در دین یهود، بی جا، ۱۳۶۸.
- ۴- آلوسی بغدادی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبع المثانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- ۵- ابوالفتح رازی، جمال الدین، تفسیر روض الجنان و روح الجنان، انتشارات اسلامیة، تهران، بی تا.
- ۶- بوکای، موریس، مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ی ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۲.
- ۷- توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، چاپ سوم، انتشارات مهر، قم، ۱۳۷۶.
- ۸- خان، ظفر الاسلام، نقد و نگرشی بر تلمود، ترجمه محمدرضا رحمتی، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
- ۹- دائرة المعارف کتاب مقدس، ترجمه بهران محمدیان، انتشارات سرخدار، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۱۰- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه: جمعی از مترجمان، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶.
- ۱۱- سیرتاریخی تورات، هیئت تحریریه در راه حق، چاپ دوم، ۱۳۵۵ ش.
- ۱۲- سوسه، احمد، العرب و اليهود فی التاريخ، دارالنشر، چاپ دوم، لبنان، ۱۹۷۳م.



- ۱۳- شبلی، احمد، مقارنه الادیان، مکتبه النهضة المصریه، چاپ هشتم، قاهره، ۱۹۸۶ م
- ۱۴- شاله، فلیسین، تاریخ مختصر ادیان بزرگ، ترجمه: منوچهر خدایار محبتی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ ش.
- ۱۵- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث، بیروت، بی تا.
- ۱۶- قاموس کتاب مقدس، مسترهاکس، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۱۷- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۱۸- کتاب مقدس، شامل عهد عتیق و عهد جدید، ترجمه تفسیری، بی تا.
- ۱۹- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۳ هـ. ق.
- ۲۰- محمد قاسمی، حمید، اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستانهای انبیا، در تفاسیر قرآن، سروش، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۲۱- مهرین شوشتری، عباس، فرهنگ لغات قرآن، انتشارات دریا، چاپ سوم، ۲۵۳۵.
- ۲۲- ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه: علی اصغر حکمت، انتشارات پیروز، تهران، ۱۳۴۴.
- ۲۳- هندی، رحمه الله، اظهارالحق، دارالجیل، بیروت، ۱۴۰۸ هـ. ق.
- ۲۴- هنری هوک، ساموئل، اساطیر خاورمیانه، مترجمان: علی اصغر بهرامی، فرنگیس فرداپور، انتشارات روشنفکران، تهران، بی تا.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی